



فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مبلغان کارملیت در ایران عصر صفوی

پدیدآورده (ها) : خضری، سید احمد رضا؛ فولادی پناه، اعظم
تاریخ :: پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی :: بهار و تابستان 1391، سال چهل و پنجم -
شماره 1 (علمی-پژوهشی/ISC)
از 63 تا 80

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1087010>

دانلود شده توسط : کاربر عمومی دانشگاه دولتی اصفهان
تاریخ دانلود : 31/03/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مبلغان کارملیت در ایران عصر صفوی^۱

سید احمد رضا خضری^۲، اعظم فولادی پناه^۳

چکیده

کارملیت‌ها یکی از گروه‌های تبشیری کاتولیک بودند که فعالیت‌های گسترده‌ای در ایران دوره صفوی داشتند و به دنبال تحقق اهداف پاپ و برخی از کشورهای اروپایی بودند. عوامل سیاسی از جمله برقراری اتحاد میان ایران و دولت‌های مسیحی اروپا در برابر عثمانیان، حضور این گروه را در ایران هموار کرد و شاهان صفوی به حمایت از ایشان برخاستند. این مقاله به بحث از مهم‌ترین فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی کارملیت‌ها در ایران عصر صفوی می‌پردازد که از جمله آنها تاسیس اولین چاپخانه در اصفهان، ترجمه متون مسیحی، تالیف آثار تاریخی همچون فرهنگ‌های چند زبانه، منشآت عصر صفوی و برپایی مراکز تبلیغی و نوانخانه‌هاست. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی کارملیت‌ها بیشتر به سود غرب و موجب شناخت بیشتر اروپاییان از ایران شد و ایرانیان به علت پایبندی به دین اسلام تعامل اندکی با آنان پیدا کردند.

کلید واژه‌ها: صفویه، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی، کارملیت‌ها، مبلغان مذهبی، نوانخانه،

مقدمه

کارملیت‌ها اعضای یکی از فرقه‌های مذهب کاتولیک هستند که ظهور و پیدایش آنها به قرون ۱۲ و ۱۳ میلادی باز می‌گردد. از آنجایی که نخستین معتکفان کارملیت در کوه

۱. دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۰۲ - پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۰۲/۲۳

۲. استاد گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، ایران. رایانامه: akhezri@ut.ac.ir

۳. کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، ایران. رایانامه: afooladi1984@gmail.com

کرمل^۱ خلوت گزیدند و در آنجا به عبادت پرداختند، این فرقه کارملیت یا کرملیت نام گرفت. از ویژگی‌های اصلی این فرقه، تبلیغ یا میسیون بود، از این رو مبلغان این فرقه خانواده، آسایش و تعلقات خود را رها کرده وسختی و خطرات را تحمل می‌کردند تا پیام مسیح را به همه ملل و سرزمین‌ها برسانند. شماری از مبلغان کارملیت در سال ۱۰۱۷ ق/۱۶۰۷م، یعنی در دوره حکومت شاه عباس اول به فرمان پاپ کلمنت هشتم^۲ برای تبلیغ مذهب کاتولیک به ایران آمدند. آنها توانستند پس از ورودشان به ایران در زمینه‌های مختلف سیاسی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی فعالیت کرده و اهداف پاپ و برخی دول مسیحی اروپایی را محقق سازند، هر چند که فعالیت‌های آنها در ایران منحصر به عصر صفوی نبود و تا دوره حاکمیت کریم خان زند (۱۱۹۳-۱۱۷۹ق/۱۷۷۹-۱۷۶۵م)، ادامه داشت.

۱. اولین گام برای نفوذ در ایران

کارملیت‌ها برای نفوذ هر چه بیشتر در میان مردم و نیز در دربار شاه، یادگیری زبان فارسی را در اولویت کار خود قرار دادند، زیرا زبان فارسی در ایران، زبان عامه مردم بود و اسناد و مکاتبات نیز به زبان فارسی نگاشته می‌شد (A Chronicle of the Carmelites, 1/ 165). چنانکه پدر ژان تاده و پدر پل سیمون دانستن زبان مخاطبان خود را از جمله عوامل اصلی در تبلیغ و نشر دین مسیح برشمرده و بیان داشتند که مبلغان کارملیت باید به موضوعات معنوی و دنیوی مسلط بوده تا توانایی پاسخ‌گویی به شاه، صاحب منصبان و روحانیان مسلمان را داشته باشند و نیز ادعاهای مسلمانان، گرجیان و یهودیان را بشنوند و به ادعاهای آنها پاسخ دهند (Ibid, 1/230-231). گفتنی است که مبلغان کارملیت قبل از ورود به ایران، دوره‌های تحصیلی را در مدارس میسیونری در رم همچون مدرسه سانتا ماریا دل‌اسکالا^۳ می‌گذراندند (Richard, "Les privileges...", 167-182; idem, "Carmeites ...", IV/833). به گفته پیترو

۱. کوه کرمل یا کارمل (Carmel) واقع در رشته کوه‌های ساحلی که از شمال فلسطین از نزدیک ساحل دریای مدیترانه به سمت جنوب شرقی امتداد دارد. در کتاب عهد عتیق در کتاب اول پادشاهان، باب هجدهم آمده است که در همین کوه کرمل بود که ایلیای نبی در حضور بنی اسرائیل معجزه خود را نشان داد تا قوم بنی اسرائیل به یهوه ایمان آورند (کتاب مقدس، ۴۴۰).

2. Pope Clement VIII

3. Santa Maria Della Scala

دلواله: «مترجم وی زبان فارسی را، هنگامی که نزد پدران کارملیت در اصفهان بود، فرا گرفت و به خصوص ژان تاده در آموزش وی بسیار تأثیرگذار بوده است» (۱/ ۶۶۴). مبلغان کارملیت نه تنها در زبان فارسی بلکه در یادگیری سایر زبان‌های مورد نیازشان برای تبلیغ در ایران، تلاش کردند، از جمله این مبلغان پدر «دیماس»^۱ بود که در سال ۱۰۲۸ق/ ۱۶۱۸م به ایران آمد و پس از مدتی اقامت در این کشور، توانست چهار زبان ارمنی، کلدانی^۲، گرجی و فارسی را به خوبی یاد بگیرد و بدانها تکلم کند (A *Chronicle of the Carmelites*, 1/236-237).

بدین ترتیب پدران کارملیت در قرن هفدهم میلادی در ایران، هر یک به یادگیری دو یا چند زبان اهتمام ورزیدند مانند زبان‌های فارسی و ارمنی و یا ترکی و ارمنی، و نیز برخی از آنها قادر به فهم ادبیات کلاسیک شرق و قرآن نیز بودند و برخی دیگر حتی می‌توانستند به بحث‌های دینی و موعظه در میان مردم بپردازند. مبلغان کارملیت در ایران طی ۵ تا ۱۰ سال کار و مطالعه عمیق و یا از طریق معلمان شرقی به یادگیری زبان‌های مختلف در ایران پرداختند.

۲. تأسیس اولین چاپخانه، تالیف و ترجمه متون

شاه عباس به سبب علاقه به مطالعه کتب دینی مسیحیان، در سال ۱۰۲۸ق/ ۱۶۱۹م به ژان تاده فرمان داد که کتاب *زبور داود* را برای وی، به فارسی برگرداند، ژان تاده نیز پس از مدت کوتاهی در همان سال این کار را به پایان رساند و ترجمه فارسی *زبور داود* را به

1. Fr.Dimas

۲. امروزه برای مسیحیان نسطوری ایران، که در شمال غرب کشور و ارومیه ساکن هستند، نام آشوری و کلدانی را به کار می‌برند و از قرن ۱۶م به بعد در اروپا کلدانی‌های ساکن در این منطقه را آشوریان نام نهادند. از جمله فعالیت‌های مذهبی کارملیت‌ها در دوره حکومت شاه عباس دوم، تلاش برای ترویج مذهب کاتولیک در میان آشوریان (نسطوریان) ساکن در اطراف دریاچه ارومیه و منطقه آذربایجان بود، از این رو تعدادی از پدران کارملیت طی سال‌های ۵۳-۱۶۵۲م/ ۶۳-۱۰۶۲ق به سوی تبریز و سلماس عزیمت کردند تا بتوانند، با موعظه‌های خود، نسطوریان ساکن در این مناطق را به مذهب کاتولیک متمایل ساخته و آنان را جزء پیروان کلیسای کاتولیک رم نمایند. این فعالیت‌های تبلیغی در میان آشوریان برای مبلغان کارملیت از دو جهت حائز اهمیت بود، یکی اینکه نسطوریان ایران نسطوری باقی بمانند و در برابر تبلیغات مسلمانان، به دین اسلام گرایش پیدا نکنند و دیگر اینکه آنان به کلیسای کاتولیک رم بپیوندند. برای آگاهی بیشتر نک: افشار، ۲۶؛ صلیبی، ۱۱؛

A *Chronicle of the Carmelites*, 1/ 382-385.

شاه عباس تقدیم کرد، وی همچنین برای آنکه شاه عباس را با صنعت چاپ آشنا کند، یک نسخه *انجیل* چاپ شده به زبان عربی^۱ را به شاه هدیه کرد. شاه عباس بعد از دیدن این کتاب نسبت به تاسیس چاپخانه با حروف فارسی - عربی^۲ در ایران، اظهار تمایل کرد و از ژان تاده خواست تا چاپخانه‌ای در اصفهان برپا کند و ماشین آلات این چاپخانه را از رم به اصفهان بیاورد (دلاواله، ۷۳۳/۱، ۷۴۲-۷۴۱؛ فلسفی، ۳/۹۶۷، *A Chronicle of the Carmelites*, 1/305). در این میان، دلاواله نیز ژان تاده را به دلیل ترغیب نمودن شاه عباس برای تأسیس یک چاپخانه در ایران تحسین کرد، زیرا معتقد بود که مسیحیان این گونه می‌توانند بسیاری از کتب مذهبی خود را در ایران چاپ کنند و از این طریق افکار و عقاید دین مسیح را به مردم القاء نمایند (۱/۷۴۲). در سال ۱۰۳۸ق/۱۶۲۹م اولین دستگاه چاپ ایرانی^۳، در صومعه کارملیت‌ها در اصفهان، راه اندازی شد (فلسفی، ۳/۹۶۷؛

A Chronicle of the Carmelites, 1/306; Richard, "Carmelites ...", IV/833; idem, "Les privileges ...", 167-182; Floor, "ĈĀP", IV/760-764; idem, "The First Printing ..." 370).

بدین ترتیب کارملیت‌ها چاپخانه‌ای با حروف سربی دایر کردند و برخی از ادعیه و اذکار مسیحی و *انجیل* و *تورات* را به دو زبان عربی و فارسی چاپ کردند. از آثار چاپ شده آنها در این دوره نمونه‌ای در دست نیست (گلیپایگانی، ۹). این چاپخانه که با نام «بسمه خانه یا بسمه خانه»^۴ در اصفهان معروف گردید (Floor, "ĈĀP", IV/760-764; idem, "The First Printing ..." 370), موجب نزدیکی روابط میان ارامنه

۱. این نسخه عربی از انجیل در سال ۱۵۹۰م، توسط جیوانی باتیستا رایموندی، در چاپخانه مدیسی منتشر شده بود (فلور، ۸۷).

۲. طبق گزارش‌های کارملیت‌ها، یکی از دلایلی که باعث شد مبلغان کارملیت کتب مذهبی خود را علاوه بر زبان فارسی به زبان عربی انتشار دهند این بود که آنها قصد داشتند این آثار ترجمه شده را برای شیوخ عرب ساکن در جنوب ایران بفرستند (*A Chronicle of the Carmelites*, 1/305).

۳. در سفرنامه سفیر هلند در ایران آمده است: «...به نظر می‌رسد که خرید دستگاه چاپ هرگز توسط ژان تاده صورت نگرفت» این مطلب نشان از آن دارد که تا سالی که سفیر هلند این گزارش را ارائه کرده است، هیچ اقدامی از سوی کارملیت‌ها در این زمینه صورت نگرفته بوده است (نک: فلور، ۸۷).

۴. بسمه یا بسمه واژه‌ای ترکی است و آن نام ابزاری است که بدان نقش‌ها و حکم‌ها را بر منسوجات طبع می‌کنند بدین سبب ایرانیان در قرن سیزدهم چاپخانه را بسمه خانه می‌خواندند (دهخدا، ذیل واژه).

جلفا و پدران کارملیت شد^۱ (عادل فر، ۶۹-۷۰) به گونه‌ای که اولین کتاب‌ها با کوشش خلیفه «خاچاطور گیساراتسی» در کلیسای وانک جلفای اصفهان، در سال ۱۶۳۸م/۱۰۴۷ق به چاپ رسید، که نام این کتاب‌ها *هارانتس وارک*^۲ و *ساقموس* بوده است (رائین، ۱۵۹).

ژان تاده در مدت مأموریت خود در ایران، غیر از ترجمه *زبور داود* آثار دیگری را به زبان فارسی از خود بر جای گذاشت که عبارتند از: *فرهنگ لغات و اصطلاحات زبور داود* به زبان‌های عبری، لاتینی و فارسی، ترجمه کتاب *آموزه‌های دین مسیح*^۳ به زبان فارسی، کتاب *فرهنگ لغات آموزه‌های دین مسیح به زبان فارسی- ایتالیایی*، کتاب *نقش کارملیت‌های برهنه پا*^۴ به زبان فارسی و ترجمه *قرآن به زبان فارسی با حروف لاتینی* (*A Chronicle of the Carmelites, 2/ 933*). همچنین در این دوره، پدر «پیر دلامری»^۵ (۱۶۷۲-۱۶۱۲م) پس از ژان تاده، یک بار دیگر *انجیل* را به فارسی ترجمه کرده و نیز یکی از آثار^۶ «توماس آکویناس»^۷ را برای اولین بار به فارسی ترجمه نمود (Richard, "Carmelites ...", IV/833).

از جمله فعالیت‌های فرهنگی کارملیت‌ها در دوره شاه صفی، تألیف فرهنگ لغت فارسی - لاتینی بود که توسط پدر ایگناتیوس^۸ نگاشته و با نام «*گراماتیکا لینگوا پرسیکا*»^۹ در سال ۱۰۷۱ق/ ۱۶۶۱م، توسط مجمع مقدس تبشیر ایمان در رم منتشر گردید. پدر ایگناتیوس از جمله مبلغان کارملیتی بود که در سال‌های ۱۶۴۱-۱۶۲۹م در اصفهان و شیراز اقامت کرد و در مدت اقامت خود در ایران، زبان فارسی را از پدران کارملیت آموخت و همچنین به مطالعه در مورد زبان‌های فارسی، عربی و ترکی پرداخت. او در تاریخ آموزش زبان‌ها و فرهنگ‌های شرقی، شهرت یافت و می‌توان گفت که او جزء اولین کسانی بود که به مطالعه فرهنگ و سنن ایرانی در اروپا کمک کرد و آن را ارتقا داد.

۱. گویا دلیل روابط نزدیک میان ارامنه جلفای اصفهان و مبلغان کارملیت این بود که کارملیت‌ها با آوردن دستگاه چاپ به ایران زمینه چاپ کتاب‌های مذهبی ارامنه را هموار کردند.

2. Harants Vark
3. Christian Doctrine
4. Rule of the Discalced Carmelites
5. Pierre de La Mere de Dieu
6. Summa contra gentiles
7. St. Thomas Aquinas
8. Ignatius of Jesus
9. Grammatica Linguae Persica

یکی از ویژگی‌های آثار او، کاربردی بودن آن است زیرا وی این آثار را برای آموزش زبان فارسی در غرب فراهم ساخته بود. بنابراین شاید بتوان پدر ایگناتیوس را یکی از نمونه‌های بارز مبلغان شرق شناس به شمار آورد (Richard, "Carmelites ...", IV/833; Orasatti, XII/619-620).

از دیگر آثاری که در این برهه توسط کارملیت‌ها تألیف شده است، می‌توان به سفرنامه‌ای تحت عنوان «سفر شرق»^۱ اشاره کرد که توسط پدر فیلیپ^۲ طی حضورش در سال‌های ۱۰۴۰-۱۰۳۸ ق/۱۶۳۰-۱۶۲۹ م و ۱۰۵۰-۱۰۴۹ ق/۱۶۴۰ م در ایران تألیف شده است. این سفرنامه دارای مطالب فراوانی در خصوص ایران در دوره شاه صفی است که در سال ۱۶۴۹ م منتشر و در سال ۱۶۵۲ م به فرانسوی ترجمه گردید (Richard, "Carmelites ...", 834; *A Chronicle of the Carmelites*, 1/320). با این همه در دوره حکومت شاه عباس دوم، فعالیت‌های کارملیت‌ها تا حدی دچار رکود شد^۳.

دوره شاه سلیمان آثاری توسط پدران کارملیت فرانسوی تبار که دانای به علم زبان بودند، نگاشته شد. از جمله مبلغان کارملیت فرانسوی که یکی از مهم‌ترین واسطه‌های طب ایران و اروپا نیز بود، پدر آنجلوس^۴ (۱۶۹۷-۱۶۳۶ م) بود. او در سال ۱۰۷۵ ق/۱۶۶۲ م فرانسه را با هدف سفر به ایران ترک کرد و به رم رفت و طی مدت دو سال که در آن شهر ماند، به فراگرفتن زبان عربی پرداخت و در سال ۱۰۷۵ ق/۱۶۶۴ م به ایران

1. Voyages d'orient

2. Philip of the Holy Trinity

۳. در دوره پادشاهی شاه صفی و به خصوص شاه عباس دوم سوء ظن نسبت به اقدامات هیأت‌های تبلیغی کاتولیک و دولت‌های متبوع آنان آشکار شد و این مسئله در شرایطی رخ نمود که شاهان صفوی بعد از شاه عباس اول، در مقابل قدرت فزاینده نیروهای قدرتمندی مانند روحانیان شیعه و درباریان، اعتبار و نفوذ کلام شاه عباس اول را نداشتند. همچنین مرگ اعتمادالدوله (وزیر اعظم) دوره حکومت شاه صفی در سال ۱۰۵۷ ق/۱۶۴۶ م برای مسیحیان ایران گران آمد، زیرا شخصی که پس از او به قدرت رسید، مسلمانی متعصب بود و با مسیحیان بدون اغماض رفتار می‌نمود. بنابراین گزارش‌های کارملیت‌ها، در دوره شاه عباس دوم فشارهای علمای شیعه در دربار، در برخورد با مسیحیان رو به فزونی گذاشت و علمای بزرگ مذهبی که در شاه نفوذ قابل توجهی داشتند، به وی توصیه می‌نمودند که برای مسیحیان ایران محدودیت‌هایی ایجاد کنند، حتی مجتهد دربار در فتوای خود، مسیحیان را دشمنان اسلام شمرده و پیشنهاد اخراج تمام مسیحیان و تعطیلی تمام کلیساها را در ایران مطرح نمود (برای آگاهی بیشتر نک: لوفت، ۱۳۲-۱۳۱؛ رویمر، ۳۹۶ و نیز

A Chronicle of the Carmelites, 1/352-353; 1/365-366).

4. Fr. Angelus of St. Joseph

عزیمت کرد و در اصفهان مستقر شد. او در اصفهان یادگیری زبان فارسی را آغاز کرد و پس از مشاهده موفقیت‌های برخی کشیشان کارملیت که توانسته بودند با به کارگیری اطلاعات پزشکی خود در راه تبلیغ مسیحیت موفقیتی به دست بیاورند، تصمیم گرفت در رشته پزشکی به تحصیل بپردازد و به همین خاطر کتب متعدد فارسی و عربی و به ویژه کتاب ذخیره خوارزمشاهی^۱ را در این زمینه مطالعه کرد.

پدر آنجلوس در سال ۱۰۸۹ق/ ۱۶۷۸م به فرانسه بازگشت نمود و در سال ۱۰۹۱ق/ ۱۶۸۰م کتابی با عنوان «فارماکوپا پرسیکا»^۲ را در پاریس چاپ کرد. این اقدام وی، گامی برای شناساندن طب ایران صفوی به اروپا بود (Elgood, 93-94). او چند سال بعد به عنوان نماینده فرقه کارملیت به آمستردام رفت و در آنجا موفق به خرید یک ماشین تحریر شد و با این وسیله توانست کتاب «گازافیلاسیوم لینگوا پرساروم»^۳ را، که یک فرهنگ لغت فارسی، ایتالیایی، فرانسوی، ترکی بود، بنویسد. این اثر وی، در سال ۱۰۹۵ق/ ۱۶۸۴م در آمستردام انتشار یافت. در این کتاب با وجود آنکه منحصراً کتاب لغت علمی و طبّی نیست، توجه زیادی به لغات پزشکی شده و از این نظر که برخی لغات آن دارای توضیحات تکمیلی می‌باشد، واجد اهمیت است (Elgood, 93-94; A *chronicle of Carmelites*, 1/446). اما پدر آنجلوس سه سال بعد از تألیف این فرهنگ لغت، ترجمه لاتین کتاب طب صفایی اثر مظفر بن محمد حسینی صفایی (متوفی ۹۲۸ق/ ۱۶۸۴م) را در پاریس منتشر کرد (Richard, "Carmelites ...", 833).

۳. مدارس کارملیت‌ها در اصفهان

شاه عباس در سال ۱۰۳۰ق/ ۱۶۲۱م به کشیشان کارملیت اجازه داد تا مدارس برای تدریس زبان‌های لاتینی در اصفهان تأسیس کنند. این مدارس که «سن پیر» و «سن پل» نام داشتند، مخصوص کودکان اتباع و مهمانان مسیحی شاه بودند (فلسفی، ۹۳۶/۳) و شاید بتوان گفت که جزء اولین مدارس در ایران بودند که زبان‌های اروپایی در آن تدریس می‌شد. بعد از ماجرای مسیحی کردن تعدادی از مسلمانان توسط ژان تاده و

۱. کتاب ذخیره خوارزمشاهی اثر جرجانی، از جمله کتاب‌های مورد استفاده اطباء و دانشجویان طب در عصر صفوی بود (نک: Chardin, 175-177).

2. *harmacopae Persica*

3. *Gazophylacium Linguae Persarum*

مجازات آنها از سوی شاه عباس در سال‌های ۱۰۳۲-۱۰۳۱ ق/ ۱۶۲۳-۱۶۲۲م، همه کودکان مسیحی که در مدرسه پدران کارملیت تحصیل می‌کردند، مدرسه را ترک کردند؛ اما پس از آرام شدن اوضاع، این مدارس فعالیت‌های آموزشی خود را از سر گرفتند (دلواله، ۱۲۰۹/۲).

در این مدارس گرامر زبان لاتینی، منطق، مبادی الهیات، هندسه، فلسفه و اصول آیین کاتولیک آموزش داده می‌شد و از جمله مبلغان کارملیت که در این مدارس به آموزش می‌پرداخت، مبلغی فرانسوی تبار به نام پدر چروبین^۱ بود. وی در سال ۱۰۹۹ ق/ ۱۶۸۹م به ایران اعزام شد و به تدریس در این مدارس مشغول گردید و در نهایت در سال ۱۲۴ ق/ ۱۷۱۴م در اصفهان در گذشت. این مدارس تا اواخر دوره صفوی در ایران دایر بودند. هر چند که پدران کارملیت این مدارس را با هدف ترویج مذهب کاتولیک تأسیس کرده بودند، اما آنها جزء اولین گروه‌های اروپایی بودند که مدارس آموزش زبان‌های لاتینی را در ایران پایه‌گذاری نمودند (A Chronicle of the Carmelites, 1/518; 2/832-834, 2/1079-1080).

۴. نگارش منشآت عصر صفوی

مجموعه منشآت عصر صفوی^۲ که مربوط به دوره حکومت شاه عباس اول است، سندی با ارزش در باره روابط ایران با دولت‌های مسیحی اروپا به شمار می‌رود که بنا بر دلایل و شواهد زیر به احتمال توسط پدران کارملیت نگاشته شده‌اند.^۳

۱- آغاز نگارش این مجموعه هم زمان با ورود کارملیت‌ها به ایران یعنی در سال ۱۰۱۸ ق/ ۱۶۰۸م (اسناد پادریان کرملی بازمانده از عصر شاه عباس صفوی، سند شماره ۱، ۲۹) و پایان آن، هم زمان با تاریخ مکشوف شدن ماجرای مسیحی نمودن

1. Cherubin of St.Teresa

۲. نسخه اصل این مجموعه که در کتابخانه ملی ناپل ایتالیا نگهداری می‌شود شامل فهرست و متن مکاتبات شاه عباس اول با پاپ و سلاطین دولت‌های مسیحی اروپا است که نگارش آن از تاریخ ۱۰۱۸ ق آغاز و در سال ۱۰۳۳ ق پایان یافته است. نسخه عکسی این مجموعه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

۳. برای آگاهی بیشتر نک: وصفی، التفاعل بین الاسلام و المسيحيه فی ایران فی العهد الصفوی الاول، ۳۷۹-۳۷۱؛ همو، «در جستجوی نسخ خطی یگانه وقایع نگاری مسیحیت غرب به زبان فارسی»،

شماری از مسلمانان ایرانی توسط کارملیت‌ها در سال ۱۰۳۲/ق ۱۶۲۳م بوده که بعد از آن کارملیت‌ها را برای مدتی محبوس و ممنوع الملاقات کردند (همان، اسناد شماره ۱۵۸-۱۵۵، ۲۴۹-۲۲۳).

۲- برخی از نامه‌های موجود در این مجموعه، نامه‌هایی است که میان مسیحیان غربی و پدران کارملیت رد و بدل شده است (اسناد پادریان کرملی بازمانده از عصر شاه عباس صفوی، اسناد شماره ۱۴۵، ۱۴۳، ۱۹۸، ۱۹۴).

۳- تعدادی از نامه‌های مندرج در مجموعه مزبور، نامه‌هایی است که ژان تاده با توجه به مقام و منزلتی که نزد شاه عباس داشته، به منظور رسیدگی به امور و مشکلات ایجاد شده برای مسیحیان فرنگی در ایران نگاشته است (همان، اسناد شماره ۱۳۶، ۱۲۲، ۶۴، ۱۸۹-۱۸۸، ۱۷۲-۱۷۱، ۱۱۲).

۴- در قسمت‌های پایانی این مجموعه گزارش‌هایی وجود دارد که درباره چگونگی کشته شدن مسلمانانی بوده که توسط ژان تاده مسیحی شده بودند و متن این گزارش‌ها به گونه‌ای است که نشان می‌دهد، نگارنده آنها خود مسیحی بوده است، چراکه که تراژدی گونه به بیان این گزارش‌ها پرداخته شده است و حتی بخش‌هایی از زبور داود برای حزن انگیز نمودن این ماجرا ذکر شده است (همان، سند شماره ۱۵۶، ۲۴۲-۲۴۱ و ۲۴۶). همچنین گزارشگر در این گزارش‌ها، به مقایسه قتل این نومسیحیان کاتولیک توسط شاه عباس، با قتل عام مسیحیان ایران در زمان شاهپور دوم در عهد ساسانیان پرداخته و بیان داشته است که کشته شدن نومسیحیان مذکور دقیقاً همزمان با تاریخی صورت گرفت که شاهپور دوم مسیحیان راکشتار کرد (همان، سند شماره ۱۵۶، ۲۴۶).

۵- برخی از گزارش‌ها و نامه‌های موجود در این مجموعه، با گزارش‌های کتاب وقایع نگاری کارملیت‌ها (A Chronicle of Carmelites in Persia ...) مطابقت دارد (همان، سند شماره ۴۹، ۹۷-۹۶).

۶- در یکی از گزارش‌های این مجموعه، که به مباحثات میان شاه عباس با مبلغان کارملیت کاتولیک مذهب و انگلیسی‌های پروتستان پرداخته است، موضع‌گیری گزارشگر نسبت به مذهب پروتستان و انگلیسی‌های حاضر در این جمع و ملحد شمردن آنان، نشانه آن است که گزارشگر پیرو مذهب کاتولیک بوده است (همان، سند شماره ۲۱۴-۲۱۳).

۷- کاربرد عباراتی مثل «دین حضرت عیسی، صاحب ما» در گزارش‌های موجود در این مجموعه، نشانگر ربوبیت عیسی مسیح برای نگارنده این گزارش‌هاست و حاکی از مسیحی بودن اوست (همان، اسناد شماره ۲، ۲۹، ۷۴، ۳۲، ۷۲، ۱۲۳).

۸- در آغاز هر یک از این گزارش‌ها، ابتدا تاریخ میلادی و سپس تاریخ قمری ذکر شده است که به نوعی نشان دهنده گرایش‌های مسیحی و غربی نگارنده گزارش‌ها است.

۹- ادبیات برخی از قسمت‌های موجود در این مجموعه، روان نیست و به کارگیری برخی لغات لاتینی مانند وندیکی، ارس، پرتکس، نمچ و... توسط نگارنده این مجموعه نشان از این دارد که نگارنده لاتینی زبان بوده است و به زبان فارسی تسلط کامل نداشته است (اسناد پادریان کرملی بازمانده از عصر شاه عباس صفوی، اسناد شماره ۴، ۶۴، ۳۴، ۱۱۲).

۱۰- رسم الخط متن این مجموعه، در برخی قسمت‌ها متأثر از زبان و رسم الخط عربی است، مانند آمدن تاء تأنیث در انتهای برخی کلمات چون *فرنگیة، اسپانیة، رومانیة* و... و یا استفاده از جمع‌های مکسر عربی مانند *هرَاطقة*^۱. می‌توان حدس زد که آشنایی کارملیتها با زبان عربی بر نوشتن این متن‌ها، تاثیر گذاشته است (همان، اسناد شماره ۳۳ و ۵۹ و ۱۴۸، ۷۷ و ۱۰۴ و ۲۱۴).

۱۱- در این مجموعه نقش کنسولی پدر ژان تاده برای اتباع مسیحی غربی در ایران آشکار است و بدین ترتیب بیشترین اسمی که در متن گزارش‌ها تکرار می‌شود، نام پدر ژان تاده است (همان، اسناد شماره ۵۶، ۶۴، ۶۹، ۷۳، ۱۰۲، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۲۱).

۱۲- در این مجموعه گزارشی وجود دارد که در مورد اعطای یکی از خانه‌های سلطنتی اصفهان به کارملیت‌ها بوده است و ظاهراً نگارنده، خود یکی از مبلغان کارملیت بوده است چراکه نوشته است: «... به اتفاق حسین بیگ در همان روز خانه گرفتیم و در محله دارالبطیخ در میدان میر منزل را به خود مبارک نموده، قرار گرفتیم...» از این‌رو بعید به نظر می‌رسد که نگارنده این واقعه ایرانی و یا کاتب دربار بوده باشد (همان، سند شماره ۲۹، ۷۴-۷۳).

به هر روی این مجموعه متأثر از محیط اسلامی و ایرانی نیز بوده است که طبیعی می‌نماید، مثلاً القاب و تعارفاتی که در آغاز مکاتبات بین شاه عباس و پاپ و سلاطین

۱. هرَاطقة جمع مکسر هرطقة می‌باشد و هرطقة نیز معرب واژه Heretic و به معنای بدعت‌گذار و ملحد است (نک: ذاکری، ۳۴۱).

مسیحی آمده، همگی متأثر از فضای حاکم بر دربار سلاطین ایران است (وصفی، «در جستجوی ...»، ۸۲).

بنابراین به نظر می‌رسد مجموعه منشآت عصر صفوی توسط کارملیت‌ها شده است و باید آن را جزء نخستین گزارش‌های فارسی نگارش یافته از سوی مبلغان مسیحی غربی برشمرد که به نوآمختگان زبان فارسی بودند.

۵. تأسیس مراکز دینی، تبلیغی و نوانخانه

از اولین پایگاه‌های تبلیغی کارملیت‌ها در ایران، صومعه و کلیسایی بود به نام کلیسای مریم مقدس^۱ که در سال ۱۰۱۸ ق/ ۱۶۰۹م در میدان میر اصفهان تأسیس شد (A *Chronicle of the Carmelites*, 1/642-643). پدران کارملیت تا سال ۱۱۷۰ ق/ ۱۷۵۷م در این صومعه حضور داشتند تا آنکه به علت ناتوانی کارملیت‌ها در پرداخت بدهی خود به یک ایرانی، صومعه یاد شده مصادره شد و از آن جایی که این صومعه و کلیسا جزء اموال خالصه یا تیول بود و به شاهان صفوی تعلق داشت، کارملیت‌ها برای باز پس‌گیری آن اقدامی نکردند (Ibid, 2/1029-1039).

الف) تأسیس پایگاه‌های تبلیغی

در سال ۱۰۹۴ ق/ ۱۶۸۴م اسقف پیکت^۲ طی نامه‌ای که به پاپ اینوسنت دهم نگاشت، از وی خواست که اجازه دهد کارملیت‌ها پایگاهی را در همدان تأسیس کنند، زیرا شماری از ارامنه در همدان زندگی می‌کردند و تا آن زمان هیچ یک از مبلغان کارملیت در این منطقه فعالیت تبلیغی نداشتند. اسقف پیکت پس از موافقت پاپ، خانه‌ای را در همدان برای ایجاد پایگاه مزبور خریداری کرد، اما وی در سال ۱۰۹۵ ق/ ۱۶۸۵م در همدان از دنیا رفت. هر چند که پس از مرگ او اسقف پیدو^۳ کار وی را دنبال کرد و توانست کلیسا و صومعه‌ای را در همدان برای استقرار کارملیت‌ها ایجاد کرد (A *chronicle of Carmelites*, 1/ 433-434). این پایگاه، اقامتگاهی برای نمایان پاپ و نمایندگان مجمع مقدس تبشیر ایمان^۴ و حضور کارملیت‌ها در این پایگاه بسیار کم‌رنگ بوده آنها

1. Our Lady of Carmel

2. Bishop Francois Picquet

3. Bishop Pidou de St.Olon

4. Sacra Congregaito de Propaganda Fide

بیشتر بین سال‌های ۱۷۴۲-۱۷۱۲م/ ۱۱۵۵-۱۱۲۴ق در همدان به فعالیت‌های تبلیغی پرداختند (A chronicle of Carmelites, 2/1112-1113).

پدران کارملیت از سال ۱۰۹۹ق/ ۱۶۸۸م همواره در صدد بودند تا تحت حمایت کمپانی سلطنتی هند شرقی فرانسه^۱، پایگاهی تبلیغی در بندرعباس ایجاد نمایند، زیرا تعداد زیادی از مسیحیان کاتولیک وابسته به کمپانی‌های هند شرقی فرانسه، انگلیس و هلند و نیز تعدادی از آرامنه در آنجا حضور داشتند. هر چند کارملیت‌ها مجوز تأسیس این پایگاه را بدست آوردند، اما نتوانستند کلیسا یا اقامتگاهی را در بندرعباس ایجاد کنند. با وجود این آنها در سال‌های ۱۱۶۸-۱۰۹۹ق/ ۱۷۵۵-۱۶۸۸م در بندرعباس حضوری مستمر داشتند و به کمپانی‌های اروپایی خدمت کردند. (Ibid, 2/ 1097-1100).

پدران کارملیت در سال‌های ۵۲-۱۰۵۰ق/ ۴۲-۱۶۴۰م در پی تأسیس پایگاهی تبلیغی در جلفا بودند و برای تحقق این هدف تلاش‌های زیادی کردند و حتی در سال ۱۰۵۶ق/ ۱۶۴۶م از شاه عباس دوم مجوزی برای تأسیس این پایگاه دریافت نمودند، اما به دلیل مخالفت‌های آرامنه، موفق به انجام این کار نشدند^۲ و در سال ۱۰۶۴ق/ ۱۶۵۴م به دستور شاه مجبور به ترک جلفا شدند (Ibid, 2/ 1072-1075). اما تقریباً بعد از سه دهه یعنی در سال ۱۰۹۴ق/ ۱۶۸۳م، کارملیت‌ها با مساعدت خانواده شریمان^۳ (پسران

1. The French Royal East India company

۲. آرامنه جلفا ابتدا گمان می‌کردند که پدران کارملیت تنها برای آموزش زبان‌های لاتینی به فرزندان‌شان، به داشتن پایگاهی در جلفای اصفهان تمایل دارند اما بعد که متوجه فعالیت‌های تبلیغی آنها شدند، جهت اخراج آنها از جلفا با شاه مکاتبه نمودند. آرامنه جلفا ضمن عرایضی که به شاه عباس دوم ارسال نموده بودند، خواهان اخراج کارملیت‌ها و سایر مبلغان کاتولیک از جلفا شدند و آنها در این عرایض بیان کردند که مبلغان کارملیت سعی دارند تا مسلمانان را مسیحی نمایند و همین دلیل کافی بود تا کارملیت‌ها را از جلفا اخراج نمایند و بدین ترتیب آنها از جلفا اخراج شدند.

A Chronicle of the Carmelites, 1/ 379; McCabe, 181

۳. خاندان شریمان (Sceriman) یکی از ثروتمندترین خانواده‌های تاجر ارمنی جلفا بودند. جد این خاندان آقامراد توسط شاه عباس اول از ارمنستان به جلفای اصفهان کوچانده شد و این خاندان از طریق یکی از پسران او به نام شریمان تداوم یافت و در واقع سارات (Sarhat) پسر شریمان توانست ثروت این خانواده را دو چندان نماید. لذا این خاندان تجارت گسترده‌ای را با اروپا و به ویژه با ونیز داشتند. خواجه سارات در سال ۱۶۴۶م مذهب کاتولیک را پذیرفت و چند دهه پس از این تاریخ یعنی در سال ۱۶۸۴م یازده تن دیگر از اعضای این خاندان کاتولیک شدند و از این پس آنها از جمله حامیان مذهب کاتولیک در جلفا بودند و حتی در دوره شاه سلطان حسین در برابر فشارهای

سارات) توانستند مدرسه‌ای را در جلفا تأسیس کنند. همچنین بعد از صدور فرمان شاه سلیمان به نفع کارملیت‌ها در سال ۱۰۹۵ ق/ ۱۶۸۴ م، آنها توانستند در ۱۱۰۲ ق/ ۱۶۹۱ م، کلیسایی را در جلفا احداث کنند. هرچند در اثر تحریکات آرامنه، شاه سلیمان در سال ۱۱۰۵ ق/ ۱۶۹۴ م دستور تخریب این کلیسا و اخراج کارملیت‌ها از جلفا را صادر کرد؛ اما پدران کارملیت در سال ۱۱۰۷ ق/ ۱۶۹۶ م از شاه سلطان حسین فرمانی مبنی بر بازگشت به جلفا را دریافت کردند (Ibid, 2/1076 -1078) و بار دیگر به جلفا باز گشته و کلیسایشان را در این منطقه بازسازی کردند (Ibid, 1/643). سرانجام پدران کارملیت به دلیل مشکلاتی که پس از حمله افغان‌ها به ایران برای آنها ایجاد شد، مجبور به ترک جلفا در سال ۱۱۶۵ ق/ ۱۷۵۲ م شدند. بدین ترتیب کارملیت‌ها تا دوره حکومت کریمخان زند (حک ۱۱۶۳-۱۱۹۳ ق) در جلفا مستقر بودند و حدود ۵۸ سال در این پایگاه حضور داشتند (A Chronicle of the Carmelites, 2/1082-1086).

ب) تأسیس نوانخانه

پدران کارملیت در سال ۱۰۱۸ ق/ ۱۶۰۹ م تصمیم گرفتند که پایگاهی را برای انجام فعالیت‌های مذهبی در هرمز ایجاد کنند، اما آنها در این زمینه با مخالفت‌هایی از سوی مقامات پرتغالی هرمز مواجه شدند سرانجام با دریافت توصیه نامه‌ای از پاپ برای تأسیس این پایگاه، توانستند در سال ۱۰۲۱ ق/ ۱۶۱۲ م نوانخانه^۱ و نمازخانه کوچکی را در هرمز برپا سازند. اما مدت اقامت کارملیت‌ها در هرمز چندان زیاد نبود، زیرا پس از تسخیر قلعه هرمز توسط نیروهای شاه عباس اول، در سال ۱۰۳۱ ق/ ۱۶۲۲ م فعالیت این نوانخانه به پایان رسید (Ibid, 2/ 1054-1055).

مبلغان کارملیت در سال ۱۰۳۱ ق/ ۱۶۲۲ م به دنبال تأسیس اقامتگاهی در شیراز بودند و به همین دلیل مکاتباتی را با امام قلی‌خان انجام دادند تا وی مجوز تأسیس این اقامتگاه را از شاه عباس اول دریافت نماید و سرانجام در سال ۱۰۳۲ ق/ ۱۶۲۳ م این مجوز از

تعصبات ضد کاتولیک ایجاد شده در اصفهان مقاومت کردند. اما سرانجام تعداد زیادی از اعضای این خاندان در سال ۱۶۹۸ م به ونیز مهاجرت نموده و در آنجا مستقر شدند (نک:

Aslanian & Berberian, "Sceriman Family", *Iranica*).

۱. نوانخانه (hospice) در فرهنگ غرب به معنای اقامتگاهی برای مسافران، کودکان بی‌سرپرست و افراد

تهی‌دست است که توسط فرقه‌ای مذهبی اداره می‌شود. برای آگاهی بیشتر نک: کارری، ۲۰۶ و ۲۲۳؛

Tavernier, 310 ; Merriam Webster's collegiate dictionary, 601.

سوی شاه صادر شد و امام قلی خان حاکم شیراز نیز، به بهرام بیگ، داروغه شیراز دستور داد که خانه‌هایی را که، در شیراز به وی تعلق داشت، به کارملیت‌ها نشان دهد، هر چند که پدران کارملیت در این میان خانه‌ای که مناسب حال آنها باشد، نیافتند، خانه‌ای را به قیمت ۶۰ تومان در شیراز خریداری کردند (Ibid, 2/1056-1059) و آن را به نوانخانه تبدیل کردند، در آنجا اغلب مردم برای درمان بیماران خود و گرفتن دارو مراجعه می‌کردند (A Chronicle of the Carmelites, 2/1062 & 2/1067) یا اتباع اروپایی برای اقامت در آنجا ساکن می‌شدند. (کارری، ۲۰۶ و ۲۲۳؛ Tavernier, 310). بین سال‌های ۴۴-۱۰۴۱ق/۳۴-۱۶۳۱م نوانخانه کارملیت‌ها به دلیل مزیقه‌های مالی پدران کارملیت بسته شد (A Chronicle of the Carmelites, 2/ 1061-1062) همچنین در سال‌های ۶۴-۱۰۵۴ق/۵۴-۱۶۴۴م، کشیشان کارملیت به خاطر عدم رونق در فعالیت‌هایشان، این نوانخانه را ترک کردند، لذا در سال ۱۰۶۶ق/۱۶۵۶م اقامتگاه کارملیت‌ها در شیراز فروخته شد، اما یک سال بعد پدران کارملیت خانه جدیدی را در شیراز خریداری کرده و دوباره نوانخانه‌ای را در آن ایجاد کردند این مکان جدید در نزدیکی باغ خان شیراز بود (Ibid, 2/1065). اما سرانجام با حمله افغان‌ها به ایران در سال ۱۷۲۲م/۱۱۳۵ق و ناامنی پس از آن، شرایط زندگی برای کارملیت‌ها سخت گردید و آنها مجبور شدند در سال ۱۱۵۱ق/۱۷۳۸م اقامتگاه شان در شیراز را، برای همیشه ترک کنند.^۱ بدین سان کارملیت‌ها حدود ۱۱۵ سال در شیراز اقامت داشتند (Ibid, 2/1068-1071).

۱. شیراز جزء مهم ترین مراکز تبلیغی کارملیت‌ها محسوب می‌شد و مبلغان کارملیت توانستند با بهره گیری از کمک‌های مالی خاندان شریمان و استفاده از سود حاصل از سرمایه گذاری در کمپانی هند شرقی فرانسه مدتی طولانی در اقامتگاه خود در شیراز به فعالیت پردازند، آنها در این مدت به اموری همچون خواندن انجیل، انجام مراسم آیین کاتولیک، خواندن دعا، آموزش آیین مذهب کاتولیک به کودکان ارامنه و دادن غسل تعمید و مداوای بیماران می‌پرداختند (نک: A Chronicle of the Carmelites, 1/515-518; 2/ 769).

نتیجه

فعالیت‌های کارملیت‌ها در ایران عصر صفوی پیامدهایی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... به دنبال داشت که خواسته یا ناخواسته منافع دنیای غرب و مسیحیان را تأمین می‌کرد. هر چند پدران کارملیت با وجود داشتن پایگاه‌های تبلیغی در مناطق مختلف ایران نتوانستند تعداد زیادی از ایرانیان را به مذهب کاتولیک متمایل سازند، اما طی حضور طولانی مدت شان در ایران عصر صفوی خدمات زیادی را به دولت‌های اروپایی و پاپ ارائه کردند. کارملیت‌ها در جهت ترویج مذهب کاتولیک در ایران عصر صفوی به انجام فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی نیز پرداختند، و در این جهت، تعدادی از کتب مذهبی مسیحیت را به فارسی ترجمه کرده و برای انتشار گسترده این کتاب‌ها در ایران، اولین دستگاه چاپ را در این کشور راه اندازی کردند. آنان همچنین برای رواج مذهب کاتولیک در میان ارامنه، مدرسی در اصفهان تأسیس کردند؛ اما فعالیت‌های فرهنگی کارملیت‌ها در ایران به این موارد محدود نبود، زیرا آنها برای شناساندن فرهنگ و علوم ایرانی به جهان غرب، کتب فراوانی تألیف کرده و بدین ترتیب اولین گام‌ها را در عرصه شرق‌شناسی برداشتند. اینگونه بیشترین نتایج ناشی از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مبلغان کارملیت عاید غرب شد، چراکه افشار جامعه ایرانی به دلیل پایبندی به اعتقادات دینی خود و دوری از خطر تغییر دین و مذهب، با هیأت‌های تبلیغی - تبشیری تعاملات اندکی داشتند. اما در این میان نمی‌توان از اهمیت کتاب «منشآت عصر صفوی» غافل شد، زیرا این کتاب تنها اثر فارسی برجای مانده از مبلغان کارملیت است که به شرح بخشی از فعالیت‌های آنها در عصر شاه عباس پرداخته است و از آنجا که در کتاب‌های فارسی موجود عصر صفوی مطالب اندکی در خصوص مبلغان مذهبی وجود دارد، این اثر سندی ارزشمند در این باره است.

منابع

۱. اسناد پادریان کرملی بازمانده از عصر شاه عباس صفوی، به کوشش منوچهر ستوده و با همکاری ایرج افشار، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۳.
۲. افشار، ایرج، «سظوریان ایرانی»، مجله اطلاعات ماهانه، شماره ۴۰، تیرماه ۱۳۵۰.
۳. دلاواله، پیتر، سفرنامه پیتر دلاواله، ترجمه محمود بهفروزی، تهران، قطره، ۱۳۸۰.
۴. ذاکری، مصطفی، «اسناد پادریان کرملی»، مجله آئینه میراث، ۱۳۸۵، س ۴، ش ۲ و ۳.
۵. رائین، اسماعیل، ایرانیان/ارمنی، تهران، نشر تهران، ۱۳۲۹.

۶. رویمر، هانس روبرت، *ایران در راه عصر جدید*، ترجمه آذر آهنچی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
۷. صلیبی، ژانست، *ایرانیان آشوری و کلدانی*، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۲.
۸. طاهری، ابوالقاسم، *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران (از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس)*، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
۹. عادل فر، باقرعلی، *مسیحیان در ایران دوره صفویه*، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی احسان اشراقی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۱۰. فانینگ، استیون، *عارفان مسیحی*، ترجمه فریدالدین راد مهر، تهران، نیلوفر، ۱۳۸۴.
۱۱. فلسفی، نصرالله، *زندگانی شاه عباس اول*، تهران، علمی، ۱۳۷۵.
۱۲. فلور، ویلم، *اولین سفرای ایران و هلند (شرح سفر موسی بیگ سفیر شاه عباس به هلند و سفرنامه یان اسمیت سفیر هلند در ایران)*، ترجمه ویلم فلور، به کوشش داریوش مجلسی و حسین ابوترابیان، تهران، طهوری، ۱۳۶۵.
۱۳. فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا، *سفرنامه فیگوئروا*، ترجمه غلام رضا سمیعی، تهران، نو، ۱۳۶۳.
۱۴. کارری، جووانی فرانچسکو، *سفرنامه کارری*، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
۱۵. *کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید)*، ترجمه انجمن کتاب مقدس، تهران، انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۹۸۷.
۱۶. گلیپایگانی، حسین میرزا، *تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران*، تهران، گلشن، ۱۳۷۸.
۱۷. لوفت، پاول، *ایران در عهد شاه عباس دوم*، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰.
۱۸. نفیسی، سعید، «روابط تاریخی دربار ایران و دربار واتیکان»، *مجله وزارت امور خارجه*، ۱۳۲۸، ش ۹.
۱۹. وصفی، محمدرضا، *التفاعل بین الاسلام و المسيحيه فی ایران فی العهد الصفوی الاول*، (۱۰۳۸-۹۰۷ ق/۱۶۲۹-۱۵۰۱ م)، رساله دکتری، به راهنمایی خلیل سمیر خلیل الیسوعی، جامعه القدیس یوسف کلیة العلوم الدینیة، بیروت، ۲۰۰۴م.
۲۰. وصفی، محمد رضا، «در جستجوی نسخ خطی یگانه وقایع نگاری مسیحیت غرب به زبان فارسی»، *مجله آیینه میراث*، ۱۳۸۳، س ۲، ش ۲۵.

21. *A Chronicle of the Carmelites in Persia and the Papal mission of the XVII and XVIII centuries*, Vol. 1-2, London, 1939.

22. Aslanian, Sebouh & Berberian, Hourii, "Sceriman Family", *Encyclopedia IRANICA*, July, 20, 2009. http://www.iranica.com/articles/sceriman_family
23. Bowker, John, *The OXFORD Dictionary of world Religions*, Oxford – New York, Oxford university Press, 1999.
24. Chardin, Jean, *Voyages Chevalier Chardin en Perse et autres lieux de l'Orient*, Vol. 5, Paris, le Normant Imprimeur-libraire, 1811.
25. Elgood, Cyril, *Safavid Medical Practice*, London, Luzac & company Limited, 1970.
26. Floor, Willem, "ĈĀP", *Encyclopedia IRANICA*, London & New York, Routledge & Kegan Paul, 1990.
27. Floor, Willem, "The First Printing – Press in Iran", *Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft*, no. 130, 1980.
28. McCabe, Ina Baghdiantz, *The SHAH's silk for Europe's silver*, Atlanta, University of Pennsylvania Armenian Texts and Studies, 1999.
29. *Merriam Webster's collegiate dictionary*, Eleventh Edition, United States of America, An Encyclopedia BRITANICA Company, 2003.
30. Orasatti, Paola, "Ignatius of Jesus", *Encyclopedia Iranica*, New York, Encyclopedia IRANICA foundation, 2004.
31. Richard, Francis, "Carmelites in Persia", *Encyclopedia IRANICA*, London and New York, Routledge & Kegan Paul, 1990.
32. Richard, Francis, "Les privileges accordés aux religieux catholiques par les Safavides, quelques documents in edits", *Dabireh* (Paris) no. 6, 1989.
33. Sarton, George, *Introduction to the History of Science*, Vol. 2, Baltimore, The Williams & Wilkins Company, 1984.
34. Schaff, Philip & S. Schaff, David, *History of the Christian church*, Vol. 5, the United States of America, Hendrickson, 1996.
35. Tavernier, Jean-Baptiste, *Voyages En Perse. (Et description De Ce royaume Par Jean-Baptiste Tavernier)*, Paris, Par Pascal Pia, 1930.
36. *The Encyclopedia AMERICANA*, "Carmelites", Vol. V, New York, Americana Corporation, 1963.
37. *The New Encyclopedia Britanica*, "Carmelites", Vol. 2, London, Encyclopedia Britanica Corporation, 2003.

